مریل استریپ میزبان اسکار

مریل استریپ میزبان مراسم اسکار در یکی از شبکه های تلویزیونی است. برنده دوجایزه و نامزد سیزده جایزه اسکار امسال به پیشنهاد یکی از تهیه کنندگان آمریکایی به نام جیل کیتس قرار است مراسم امسال را برای یک شبکه کابلی آمریکایی تفسیر کند. این یعنی خانم استریپ امسال قید قدم زدن روی فرش قرمز را زده است و در استودیو به دیدن مراسم می نشیند.

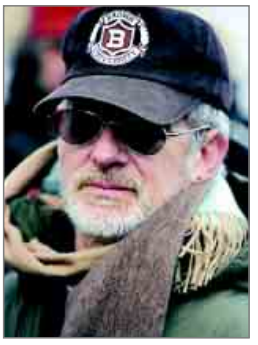

فیلم های شخصی؛ فیلم های سیاسی

اسکار امسال و هنرمندان سیاستمدار

امیر قادری

خوره های فیلم و هواداران فیلم های غریب مستقل، همچنان در وبلاگ ها و سایت های اینترنتی خاص خودشان داد و بیداد می کنند که آکادمی اسکار امسال هم به شاهکارهایی که در حاشیه سینما ساخته می شود توجهی نداشته. اما راستش اسکار را باید همین جوری که هست پذیرفت. جایزه ای که به هر حال پیوند ناگسستنی با جریان اصلی سینما دارد و با فیلم های خاصی که به لحاظ فرمی و مضمونی، سراغ موضوع های تازه ای رفته اند، خیلی حال نمی کند.

با این وجود امسال فیلم بزرگ در اسکار نداریم. چیزی در مایه های «گلادیاتور»، «هوانورد»، «تایتانیک» یا «اربابِ حلقه ها». پنج نامزد رشته بهترین فیلم هم یک جورهایی فیلم مستقل به حساب می آیند. به همین دلیل حتی نمی شود گفت شانس کدام فیلم در اسکار بیش تر است. «تصادف»، «شب بخیر و موفق باشید»، «کایوتی» و «کوهستان بروک بک»، محصولات متعلق به جریان اصلی به حساب نمی آیند. مهم ترین نماینده استودیوهای بزرگ در اسکار امسال استیون اسپیلبرگ و «مونیخ» اش هستند که این فیلم هم، آن جور که انتظار می رفت نفروخت.

اسکار امسال، سیاسی تر از بقیه دوره ها هم هست، آن هم در دورانی که پیش ترین فیلم سیاسی نسبت به چند سال گذشته ساخته می شود. مجری مراسم هم سابقه اجرای برنامه ضدبوش دارد؛ هر چند بعید است در طول مراسم، بیش از یرت شدن چند تا متلک سیاسی اتفاق دیگری بیفتد.

رشته های فرعی: نخودچی کشمش اسکار

کسی زیادبیگر برنده این رشته ها نیست. برنده های رشته هایی مثل گریم، طراحی هنری، جلوه های صوتی و بصری و ترکیب صدا و لباس، نخودی های مراسم هستند که جایزه شان لابه لای رشته های اصلی اعلام می شود و می رود پی کارش.

«خاطرات یک گیشا»، یکی از موفق ترین فیلم ها در بخش های فنی و یکی دو بخش دیگر است. فیلم موقع نمایش آن قدر تحویل گرفته نشد که حالا انتظار حضورش در بخش های اصلی مراسم را هم داشته باشیم، ولی این تعداد نامزدی در رشته های فنی و فرعی هم برای خودش اتفاقی است. اما در مورد «کینگ کنگ» بیشتر جکسون نمی شود چنین حرفی زد. فیلمی که در اغلب رشته های اصلی سرش بی کلاه مانده و خیلی ها اعتقاد دارند که حتی می توانست در رشته های بهترین فیلم و کارگردانی هم جزو مدعی ها باشد.

«هری پاتر و جام آتش» هم که به عقیده بعضی ها تا به حال بهترین فیلم این مجموعه است و جماعت سینما رو هم در یک سال کساد حسابی از آن تعریف کردند، فقط در رشته بهترین کارگردانی هنری فنی و یکی دو بخش دیگر است. فیلم موقع نمایش آن قدر تحویل گرفته نشد که حالا انتظار حضورش در بخش های اصلی مراسم را هم داشته باشیم، ولی این تعداد نامزدی در رشته های فنی و فرعی هم برای خودش اتفاقی است. اما در مورد «کینگ کنگ» بیشتر جکسون نمی شود چنین حرفی زد. فیلمی که در اغلب رشته های اصلی سرش بی کلاه مانده و خیلی ها اعتقاد دارند که حتی می توانست در رشته های بهترین فیلم و کارگردانی هم جزو مدعی ها باشد.

کارتون ها، مستندها و خارجی ها: سال به سال دارند مهم تر می شوند

می رسیم به بهترین انیمیشن سال که برعکس همیشه، خبری از محصولات دیزنی و پیکسار و دریم ورکز در آن نیست. داوران آکادمی، دو انیمیشن نسبتاً محبوب اما از نظر انتقادی نه چندان موفق، یعنی «ماداگاسکار» و «جوجه کوچولو» را کنار گذاشته اند و برای انتخاب نامزدهای این رشته، به سه انیمیشن هنری تر امسال رأی داده اند: «عروس مرده» ساخته تیم برتون، «والاس و گرومیت» نفرین خرگوش- آدم» به کارگردانی مشترک استیو باکس و نیک پارک و بالاخره «قلعه متحرک هاول» که استاد میازاکی بزرگ آن را خلق کرد. بنظرم اسکار امسال را به «والاس و گرومیت» بدهند که با موفقیت انتقادی کم سابقه ای هم روبه رو شده است.

در رشته بهترین مستند بلند هم که سال به سال اهمیت اش بیشتر می شود، «رژه پنگوئن های معروف را داریم که شانس اول دریافت این جایزه است. اما چند مستند معروف امسال هم قرار است با این مستند محبوب رقابت کنند. مستندهایی مثل: «کابوس داروین»، «اترون: چند مرد باهوش در اتاق»، «Mrdurball» و «Street Flight» که مهجورترین مستند بین این چند تاست. این وسط جای تحسین شده ترین مستند امسال خالی است: Grizzly Man و نرمز ترسوگ که این یک دوسال است به عنوان مستند ساز حسابی پر کار شده است.

در رشته بهترین فیلم خارجی هم لابد می دانید که از نماینده ما، یعنی «خیلی دور، خیلی نزدیک» خبری نیست. فرانسوی ها که زرنگی کرده بودند و «رژه پنگوئن ها» را به عنوان نماینده در این بخش پیشنهاد نکرده بودند (لابد چون پیش بینی می کردند که در رشته بهترین مستند نامزد خواهد شد) با همان فیلمی در این مراسم حضور دارند که در جشنواره فجر امسال هم شرکت داشت: «کریسمس مبارک». فیلم فلسطینی «اینک بهشت» هم نامزد قابل پیش بینی دیگر است که شانس زیادی برای دریافت جایزه در این بخش دارد. گفتم که، اسکار امسال یکی از سیاسی ترین اسکارهاست و بعید نیست اعضای آکادمی، عوض این که بخواهند این سیاسی بودن را در بخش های بهترین فیلم بازتاب بدهند، به چنین بخش هایی منتقل اش کنند.

موسیقی، فیلمبرداری و آواز: مراسم گرم می شود

هنوز به جوایز اصلی نرسیده ایم. حالا می خواهیم درباره بخش بهترین موسیقی صحبت کنیم که کهنه کاری مثل جان ویلیامز در آن با دو فیلم حضور دارد. یکی محصول همکاری سنتی اش با اسپیلبرگ، یعنی «مونیخ» و دیگری «خاطرات یک گیشا». سه نامزد دیگر، برای فیلم های مشهوری موسیقی ساخته اند: «همیشه باغبان»، «کوهستان بروک بک» و «غرور و تعصب»، ولی خودشان آهنگسازهای چندان مشهوری نیستند. در رشته بهترین آواز هم برعکس مراسم این چند ساله، ستاره بزرگی مثل باب دیلن و یو تو و کارلوس ساتانا نداریم.

اما در فیلمبرداری ماجرا فرق می کند. فیلم های ترنس مالیک، به لحاظ بصری همیشه مبهوت کننده بوده اند و تازه ترین فیلمش، «دنیای نو» هم فقط در این بخش، نامزد دریافت جایزه است. درست مثل «بتمن آغاز می کند» که محبوب ترین اکشن امسال بود، اما حتی در بخش های فرعی و فنی هم شانس نیاورد. این فیلم کریس نولان فقط نامزد دریافت جایزه بهترین فیلمبرداری شده. فیلمبرداری سیاه و سفید «شب به خیر و موفق باشید» هم برای داورها جذاب بوده که انتخابش کرده اند.

بهترین فیلمنامه ها: همان بهترین فیلم ها

و حالا می رسیم به بخش جوایز اصلی که معمولاً با بخش بهترین فیلمنامه آغاز می شود. سابقه مراسم نشان می دهد که اعضای آکادمی معمولاً جایزه بهترین فیلم را به بهترین فیلمنامه می دهند! به خاطر اتان رجوع کنید، «محرمانه لس آنجلس» در برابر «تایتانیک»، «قصه عامه پسند» در برابر «فارست گامپ»، «گمشده در ترجمه» در برابر «اربابِ حلقه ها: بازگشت پادشاه» و بالاخره پارسال، «راه های فرعی» در برابر «عزیز میلیون دلاری». (مردم از بس توی این مقاله «گیومه» گذاشتم!) اولی ها فیلم های بهتری بوده اند که جایزه بهترین فیلمنامه را گرفته اند و دومی ها، اسکار بهترین فیلم را.

در رشته بهترین فیلمنامه اقتباسی، اکثریت با سیاسی هاست. «تاریخ خشونت»، «همیشه باغبان» و «مونیخ»، سیاسی های جمع هستند در حالی که «کوهستان بروک بک» و «کایوتی»، نمایندگان سینمای درونی تر و شخصی تر هستند. به احتمال زیاد جایزه این بخش را «کوهستان بروک بک» می برد که به خاطر گستاخی های اخلاقی، از کسب جایزه بهترین فیلم باز خواهند ماند. نویسندگان فیلمنامه کایوتی هم دست روی موضوع جذابی گذاشته اند. ماجرای نویسنده ای که از درون یک موضوع ضد اجتماعی، قصد دارد یک اثر هنری خلق کند.

اما در رشته بهترین فیلمنامه اریجینال، باز سیاسی ها دست بالا را دارند. از «تصادف» و «شب به خیر و موفق باشید» گرفته تا «سیریانا». وودی آلن هم بعد مدت ها به خاطر فیلمنامه «امتیاز آخر» نامزد شده که بعید است جایزه را بگیرد. برنده این بخش به احتمال زیاد فیلمنامه «ماهی مرکب و وال» است، نوشته و کارگردانی نوآ بومباک که یک کمدی روشنفکرانه شخصی است و تنها شانس این فیلم بشدت تحسین شده برای موفقیت در مراسم اسکار امسال همین است.

جوایز بازیگری را حکایت خودش را دارد.

اسکارهای بازیگری: مکعل ها

در رشته بهترین بازیگر نقش دوم زن، امی آدامز، نامزد اصلی است. فیلم مستقل و صمیمی junebug که خیلی ها دوستش داشتند، همین یک نماینده را در مراسم اسکار امسال دارد. آدامز تا به حال در خیلی از نظرسنجی ها و مراسم رسمی، این جایزه را دریافت کرده و بعید نیست اسکاری ها هم عیش ان را کامل کنند. او در این فیلم نقش زن سرخوش مهربانی را بازی می کند که شوهرش هیچ کدام از این خصوصیات را ندارد. امی آدامز کاتون انرژی خانواده قصه و خود فیلم است. راشل ویز فیلم «همیشه باغبان» هم بازی خوب و تأثیر گذاری ارائه داده که باعث شده جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل زن را در مراسم گلدن گلاب ببرد و همین اتفاق، شانس اش را در بردن جایزه بیشتر می کند. میشل ویلیامز بازیگر «کوهستان بروک بک» و کاترین کینیر در «کایوتی»، شانس های بعدی جایزه گرفتن در این بخش هستند و فرانسیس مک دورماند فیلم «سرزمین شمالی»، شاید پرافتخارترین بازیگر این رشته باشد که یک بار جایزه را به خاطر بازی در فیلم «فارگو» برده، اما در برابر رقبای قدرش، شانس کمی برای بردن جایزه دارد.

در بین بازیگران نقش دوم مرد اما فکر می کنم شانس اول را مت دیلون بگیرد «تصادف» داشته باشد. اولاً به این خاطر که سال هاست در سطح اول هالیوود بازی می کند و اسکار ثابت کرده دنبال فرصتی می گردد تا از این جور آدم ها تقدیر کند، بعد هم این که نقش آفرینی قوی اش در این فیلم او را به حال خیلی ها را متقاعد کرده، چرا از پس نظر داوران آکادمی برنیاید؟ پل جیاماتی هم آینده درخشانی دارد. پارسال برای نقش اصلی، نامزد اسکار شد و امسال برای نقش مکمل. داوران آکادمی حالا حالاها به او فرصت خواهند داد. جیاماتی برای امر دوبسندرلایی، نامزد دریافت این جایزه شده.

جرج کلونی هم در این رشته شانس دارد. نقش اش در «سیریانا» با آن ظاهر تازه و ریش جوگندمی، هواداران زیادی دارد، ضمن این که این یکی از معدود فرصت های جایزه بردن برای این فیلم تحسین شده شبه «قاچاق» است. اما نامزدی کلونی در رشته بهترین کارگردانی، از شانس اش برای بردن جایزه این رشته کم می کند. ویلیام هارت و جیک گیلنهال هم به ترتیب برای «تاریخ خشونت» و «کوهستان بروک بک»، نامزد جایزه شده اند که اگر بخواهیم بین این دو نفر حساب کنیم، شانس «جیلنهال» بیش تر خواهد بود. هر چند اوضاع واحوال جیلنهال هم مثل جیاماتی است. یعنی آینده روشنی در پیش دارد و بعید است دوستان آکادمی، مسیر پیش روی جیلنهال را با اسکاری در آغاز راه، خراب کنند.

اسکارهای بازیگری: نقش های اصلی

هر چند مکمل ها مهم اند، اما به هر حال اسکار نقش یک چیز دیگری است. حالا هر چه قدر هم به شعار «نقش که کوچک و بزرگ ندارد» اعتقاد داشته باشید.

برای اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن، رقابت اصلی بین ریز ویترسپون برای فیلم «Walk The Line» و کایرا نایتلی برای «غرور و تعصب» خواهد بود. نایتلی البته معمولاً برای این نقش بسیار تحسین شده اش، نامزد دریافت نقش مکمل بوده، اما بخش کنندگان فیلم توانسته اند او را در رشته بهترین بازیگر زن نقش اول به آکادمی قالب کنند. اتفاقی که کمتر می افتد و همین شاید شانس نایتلی را برای دریافت این جایزه کمتر کند. فیلیسیتی هافمن هم برای ایفای نقش اصلی در یکی از موفق ترین فیلم های مستقل امسال یعنی «Trance America» نامزد دریافت جایزه شده. منتقدهای زیادی از او تعریف کرده اند و کلی به هافمن جایزه داده اند، اما اگر از من می شنوید در اسکار همچنان شانس ویترسپون بیش تر است. شارلیز ترون که دو سال پیش جایزه را برد، یک بار دیگر برای بازی در نورث کانتری نامزد دریافت جایزه شده و وجودی دنج برای ایفای نقش اصلی خانم هنذرسون تقدیم می کند. اما این دو تا نامزدی را جدی نگیرید، کاندیداهای اصلی همچنان همان سه نفری هستند که اول نام شان را بردیم.

درباره بهترین بازیگر مرد نقش اصلی، بیش تر شانس ها متعلق به فیلیپ سایمور هافمن است که نقش نویسنده معروف آمریکایی را در فیلمی به همین نام یعنی «کاپوتی» ایفا کرده. اعضای آکادمی معمولاً از بازیگرانی که نقش آدم های واقعی را بازی می کنند، حمایت می کنند. نمونه اش کیت بلانشت و مایکل جی فاکس که نقش کاترین هپبورن وری را ایفا کردند و پارسال جایزه گرفتند. اما این نکته نمی تواند دلیلی برای بالا رفتن شانس هافمن باشد. چون دو نامزد دیگر، یعنی دیوید استراتن و جوآکین فونیکس هم نقش دو شخصیت معروف را بازی کرده اند و حالا انتظار دریافت جایزه را می کشند. رقیب اصلی فیلیپ سیمور هافمن، همین آقای فونیکس است که بعید هم نیست جایزه را ببرد. می ماند ترنس هاوارد که در «Hustle & Flow» نقش آفرینی شورانگیز و پرجلوه ای ارائه کرده و طرفداران اینترنتی بی شماری هم داشته. ولی بعید است برای چنین نقش مهجوری، به عنوان بهترین بازیگر مرد انتخاب شود.

بهترین کارگردان و بهترین فیلم: ابهام مطلق

این که اول این مقاله برای تان گفتم اسکار امسال قطعی نیست و فیلم گنده نداریم، ابهامش در این دو رشته مشخص می شود. معمولاً این طوری است که اسکار بهترین کارگردانی به سازنده همان فیلمی تعلق می گیرد که قرار است به عنوان بهترین فیلم سال انتخاب شود. کم شده این قاعده به هم بخورد. به خصوص امسال که کارگردان های پنج فیلم برگزیده، به عنوان نامزد دریافت بهترین کارگردانی هم معرفی شده اند.

اگر بخواهیم موفقیت های قبلی را در نظر بگیریم، قطعاً «کوهستان بروک بک»، موفق ترین فیلم فهرست خواهد بود، اما اسکاری ها معمولاً توجهی به فیلم هایی که به نوعی مشکلات اخلاقی حاد در آن ها وجود داشته باشد نمی کنند. «کایوتی» هم شانس چندانی ندارد. می ماند سه فیلم «مونیخ»، «تصادف» و «شب به خیر و موفق باشید» که هر کدام ویژگی هایی دارند. شانس «مونیخ» به دلیل واکنش منفی گروه های سیاسی مختلف نسبت به آن کم می شود، اما فراموش نکنید که این استودیویی ترین فیلم بین نامزدهای این رشته است و کارگردانش استیون اسپیلبرگ، محبوب آکادمی. اما «برخورد» و «شب خوش...» هم امتیازاتی دارند. «تصادف» از گمنامی درآمده، خوش ساخت است و پر از مایه های انسان دوستانه باب طیع داوران اسکار، و «شب خوش و به سلامت»، فیلمی زندگی نامه ای با مایه های سیاسی آزادی خواهانه که یک ستاره آن را کارگردانی کرده و آکادمی در برابر چنین فیلم هایی دست وپایش می لرزد. خلاصه «کایوتی» را استثنا کنید و من را از انتخاب یکی از چهار فیلم باقی مانده، معاف.

و اما حاشیه نشین ها

گفتیم که اسکار امسال، حداقل در رشته های اصلی، دور از سلطه استودیوهای معتبر برگزار می شود. اما خوره های سینما همچنان از آن راضی نیستند. به نظر آن ها فیلم های دوست داشتنی فراوانی وجود دارند که آکادمی حتی در رشته های فرعی، توجهی به آن ها نداشته. از جمله «سین سیتی»، فیلم موفق تابستان امسال که حتی نامزد یک رشته هم نشده یا فیلم کره ای «Old Boy» که خوره هایش انتظار داشتند نامش را جزو نامزدهای رشته بهترین فیلم خارجی ببینند.

به هر حال اسکار هنوز هم معتبرترین جایزه سینمایی دنیاست که در لحظه برگزاری مراسم، تمام وقایع هنری دیگر را تحت تأثیر قرار می دهد و روی فروش فیلم ها و دستمزد افراد برنده تأثیر فراوانی می گذارد. با این وجود قرار نیست نتایجش حجت باشد. شور و شکوه سینما را این روزها می شود متلاذر هنگ و کنگ و کره دید که در مراسم اسکار یک نماینده هم ندارند و چه اهمیتی دارد؟ سینما که جایش روی سن کذاک تپه تر نیست. قلب عاشقانش را بشکافید و از درون هر کدام چند فیلم خوب بیرون بکشید. بقیه حرف ها یک جور بازی است. اسکار هم برای خودش یک مهمانی است.

از نگاهی دیگر

افشین ابراهیمی

فیلم های جدی و بازیگران جوان در رقابت

بعد از چند سال که هایبت ها و الف ها بر اسکار تسلط داشتند، امسال آثار جدی سیاسی، اخلاقی و فرهنگی نامزد جوایز شده اند. اعلام نامزدهای امسال هر چند به اندازه سال قبل ـ که «مصائب مسیح» و «فارنهایت ۹/۱۱» مورد بی توجهی کامل قرار گرفتند ـ دور از انتظار نبود، اما نشان دهنده دیدگاهی جدید و دنیایی جدید است. این تازگی و تفاوت فقط در توجه به فیلم های جدی و سنگین دیده نمی شود و حتی سنتی بودن و کهنه گرایی اعضای آکادمی امسال کمتر نمود پیدا کرده است. به عنوان مثال برخلاف همیشه که به بازیگران جوان کمتر میدان داده می شد، امسال ۴ نفر از ۲۰ نامزد رشته های بازیگر نقش اصلی و مکمل برای اولین بار نامزد دریافت اسکار شده اند. در بین پنج نامزد بهترین بازیگر نقش اصلی مرد هم فقط یک نفر بیشتر از ۴۰ سال دارد.

موفقترین فیلم امسال «کوهستان بروکبک» است که علی رغم سوژه اخلاقاً جنجالیش، توانست با نامزد شدن در ۸ رشته امیدوارترین فیلم این دوره باشد. این فیلم که جوایز متعددی از جمله گلدن گلوب بهترین فیلم درام، بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه و همچنین جایزه کارگردانی انجمن کارگردانان آمریکا را کسب کرده، تبدیل به فیلم محبوب اعضای آکادمی شده است. «کوهستان بروکبک» تقریباً در تمام رشته های اصلی نامزد شده است: فیلم، کارگردانی، فیلمنامه اقتباسی، فیلمبرداری، موسیقی متن، بازیگر مرد نقش اصلی (هیث لجر)، بازیگر مرد نقش مکمل (جیک جیلنهال) و بازیگر زن نقش مکمل (میشل ویلیامز). لجر و ویلیامز که هر دو لازم است به امید دریافت جایزه در مراسم حاضر باشند، باید در شب مراسم فکری برای نگهداری فرزند سه ماهه شان بکنند!

هر چند که «تصادف» در چند ماه اخیر علاوه بر فروش خوب و نقدهای تماماً مثبت، جوایز زیادی هم کسب کرده است؛ اما برخورد سرد گلدن گلوب با این فیلم و نامزد شدنش تنها در دو رشته ـ که آنها را هم کسب نکرد ـ این نگرانی را ایجاد کرده بود که شاید آکادمی اسکار هم به این فیلم بی توجهی کند. اما این فیلم درخشان توانست در ۶ رشته جزو نامزدها قرار بگیرد که بهترین فیلم، فیلمنامه غیر اقتباسی، کارگردانی و بازیگر مرد نقش مکمل (مت دیلن) از آن جمله است. عجیب اینکه ترنس هوارد علی رغم بازی خیره کننده اش در این فیلم، جزو نامزدها قرار ندارد. اما اگر اعضای آکادمی این نقش مکمل او را فراموش کرده اند، در مقابل نام هوارد را به خاطر فیلم Hustle & Flow بین نامزدهای جایزه بهترین بازیگر مرد نقش اصلی آورده اند.

«شب به خیر و موفق باشید» هم دیگر نامزد جایزه بهترین فیلم است از نظر تعداد رشته ها با «تصادف» مساوی می باشد. جرج کلونی در دو رشته بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه غیر اقتباسی امید به کسب اسکار دارد و هر چند نقش کوتاهش در این فیلم مورد توجه آکادمی قرار نگرفته، اما به خاطر فیلم «سیریانا» بین بازیگران مرد نقش مکمل نامزد شده است. دیوید استراتیم که به خاطر ایفای نقش اصلی «شب به خیر...» جایزه جشنواره ونیز را دریافت کرده هم بین نامزدهای اسکار حضور دارد.

«و رقیب دیگر کسب اسکار بهترین فیلم «کاپت» و «مونیخ» هستند. «کاپت» در رشته بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه اقتباسی هم نامزد شده و دو بازیگر آن هم مورد وجه قرار گرفته اند: فیلیپ سیمور هافمن (مرد نقش اصلی) و کاترین کینر (زن نقش مکمل). برنده بودن هافمن نزدیک به قطعی است و تقریباً تمام جوایز بازیگری امسال به او تعلق گرفته است.

«مونیخ» سخت ترین تجربه استیون اسپیلبرگ بعد از «فهرست شیندلر» (به گفته خودش) بوده و علی رغم جنجال سیاسی که به پا کرد و اعتراض صهیونیست های افراطی توانست جزو نامزدهای بهترین فیلم قرار بگیرد. انتقاد اسپیلبرگ از خشونت طلبی دولت فعلی اسرائیل از بسیاری به عنوان استعاره از جنگ طلبی دولت جرج بوش تعبیر کردند و در فضای سیاسی اسکار امسال، این مساله باعث توجه بیشتر به فیلم شده است. فیلمنامه اقتباسی فیلم هم نامزد شده و نیازی به گفتن نیست که موسیقی جان ویلیامز هم مثل هر سال در رقابت حضور دارد.

نکته جالب اینکه برای اولین از سال ۱۹۸۱ تا به حال، همان پنج فیلمی که در رشته بهترین فیلم نامزد شده اند، در رشته بهترین کارگردانی هم حضور دارند: انگ لی، استیون اسپیلبرگ، جرج کلونی، پل هگیس و بنت میلر (کارگردان «کاپت»). همچنین فیلمی که در هیچ یک از رشته های اصلی مورد توجه نبوده است، توانسته در شش رشته جزو فهرست آکادمی قرار بگیرد (یعنی مساوی «تصادف» و «شب به خیر...»). راب مارشال که سه سال قبل «شیکاگو» بین سه جایزه اسکار کسب کرده بود، امسال با «خاطرات یک گیشا» در رشته های فنی تحسین شده است. شرایطی تقریباً مشابه برای «سربه راه باش» هم پیش آمده است. فیلم زندگی جانی کش که جوایز زیادی (شامل گلدن گلوب بهترین فیلم موزیکال یا کمدی) را کسب کرده، علی رغم اینکه امید بسیار زیادی به کسب اسکار بهترین بازیگر مرد و زن نقش اصلی (واکین فینکس و ریز ویترسپون) و همچنین سه رشته فنی دارد، ولی در رشته بهترین فیلم، کارگردانی و فیلمنامه غایب است. همچنین «کینگ کنگ» و «مرد سیندرلایی» هم برخلاف انتظار در هیچ یک از رشته های اصلی نامزدی ندارند. تنها پل جیاماتی، بازیگر نقش مکمل «مرد سیندرلایی» ـ که سال گذشته علی رغم درخشش در «Sideways» و کسب تحسین فراوان بین نامزدهای اسکار جایی نداشت ـ بالاخره امسال موفق به تجربه آکادمی قرار گرفته است.

علی رغم خوب ها و اعتراضات همیشگی به نادیده گرفته شدن بعضی از بهترین های سال قبل، فهرست نامزدهای اسکار امسال نوید جوایزی عادلانه و منطقی را می دهد. مجری مناسبی هم انتخاب شده و همه چیز برای مراسمی خوب آماده می شود. فقط جای مایکل مور خالی است که بار دیگر روی سن جرج بوش را مفتضح کند.